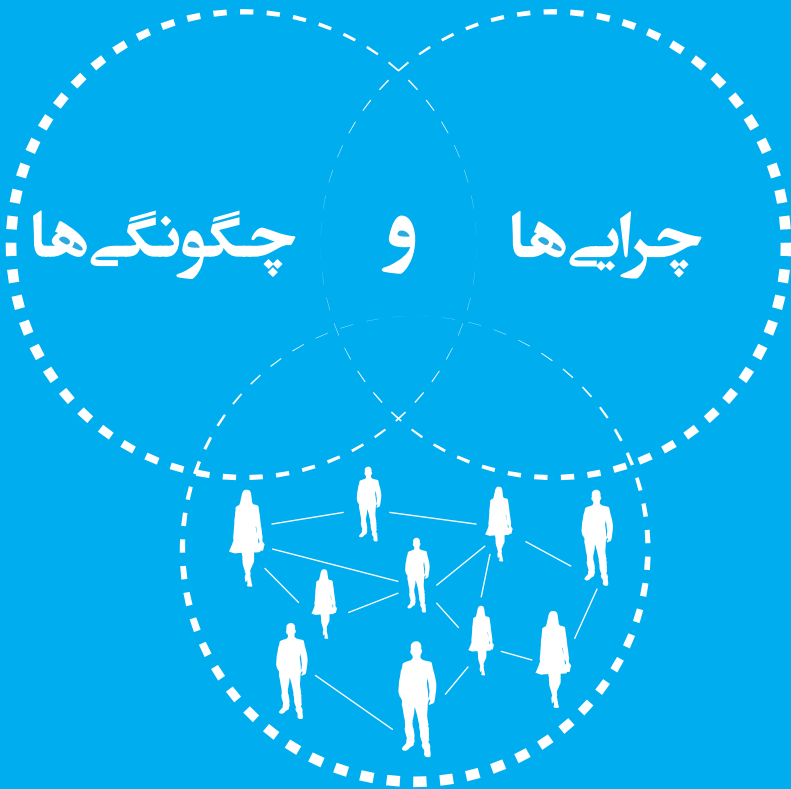


# توانمند سازی جامعہ مدنے



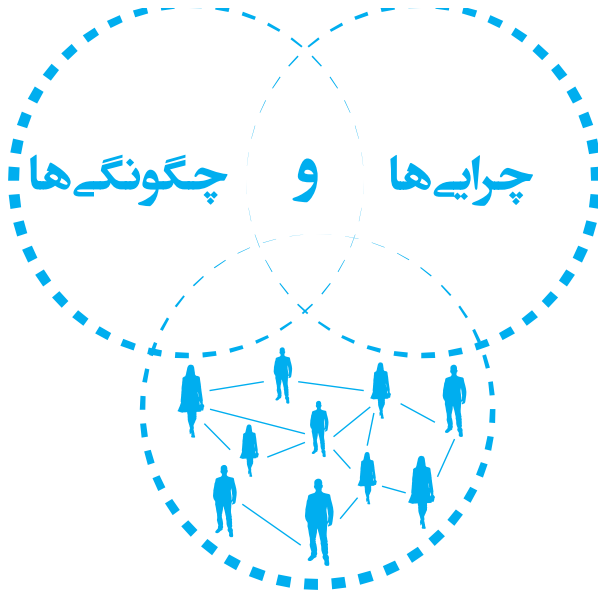
انتشارات عرصہ سوم - پاییز ۱۳۹۵





توانمند سازی

جامعہ مدنی



نویسنده: حسین قاضیان

### توانمندسازی جامعه مدنی؛ چرایی ها و چگونگی ها

انتشارات عرصه سوم

پاییز ۱۳۹۵، آمستردام، هلند

این کتابچه راهنما با اهداف زیر تهیه و تنظیم شده است:

- ترویج و گسترش اندیشه های مدنی، صلح، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت سازی سازمان ها، فعالان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ اقدام های داوطلبانه
- آسان سازی برای دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- ایجاد فضایی مناسب برای تبادل نظر، گفت و گو بین فعالان جامعه مدنی و دیگر گروه های اجتماعی.

سازمان غیر دولتی «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان گذاری شده و به عنوان یک نهاد ناسودبر به ثبت رسیده است.



[www.darsahn.org](http://www.darsahn.org)

این نوشته، کند و کاوی است در جنبه‌های گوناگون توانمند کردن جامعه مدنی، از خلال شوراهای شهر و روستا. برای آن که به طرح موضوع توانمندسازی، شیوه‌ها و راهکارهای آن پردازیم، ما از جامعه مدنی شروع کرده‌ایم. اگر می‌خواهید تصویر مشترکی از جامعه مدنی داشته باشیم می‌توانید به پیوست این نوشته سری بزنید.

در این نوشته ابتدا مفهوم تقویت و توانمندسازی را روشن می‌کنیم. سپس به راهکارهای آن می‌پردازیم. از سازمان دادن به خود و خواسته‌هایمان شروع می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چطور می‌شود این خواسته‌ها را تنظیم کرد و به شکل یک دستور کار درآورد، چطور این دستور کار را از سطح فردی و گروهی فراتر برد و به دستور کار اجتماعی و عمومی تبدیل کرد؛ و در نهایت چطور و با چه شیوه‌هایی بر کار دستگاه‌های عمومی (با تمرکز بر شوراهای محلی) نظارت کرد تا آن خواسته‌ها تا حد امکان برآورده شوند.

در پایان از جنبه‌ی دیگری از نظارت حرف خواهیم زد، نظارت برای جلوگیری از فساد مالی و اداری در پیکره‌های انتخابی و اجرایی، چرا که این پیکره‌ها به دلیل در اختیار داشتن منابع عمومی همواره در معرض فساد قرار دارند و تنها نظارت موثر می‌تواند این فساد را تا حدی مهار کند.

در بین همه‌ی این مباحث پرسش‌هایی را هم برای اندیشیدن شما مطرح کرده‌ایم و نیز موضوع‌هایی که بهتر است درباره‌شان جستجو کنید یا آنها را تمرین کنید.

## فهرست:



### توانمند کردن جامعه مدنی از خلال شوراهای

شوراهای بخشی از پیکره‌ی تصمیم‌گیری‌های حکومتی در سطح محلی هستند، همان طور که مجلس همین نقش را در سطح ملی ایفا می‌کند. به این معنا، شوراهای واسطه‌ای بین بخشی از حکومت و جامعه مدنی‌اند.

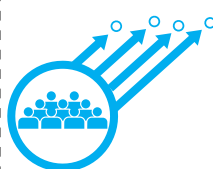
۱۴



### توانمند کردن جامعه مدنی

توانمندسازی یک فرآیند و یک جریان پیوسته است. فرآیندی که در طی آن از نیازها و خواسته‌های خود آگاهی به دست می‌آورد، خود را تجهیز می‌کند و در نهایت برای تحقق آن از اعتماد به نفس لازم برخوردار می‌شود.

۱۲



### تقویت جامعه مدنی

تقویت جامعه مدنی، در یک جمله، یعنی تلاش برای آن که ماشین جامعه مدنی بهتر کار کند، موثرتر و کارآمدتر باشد و سود بیشتری نصیب کل جامعه کند.

۱۰

## فهرست:



### تبدیل به دستورکار اجتماعی

از کجا معلوم که برای دیگران و برای گروه‌های دیگر این خواسته‌ی شما همان قدر اهمیت داشته باشد که برای شما اهمیت دارد؟

۲۶



### تنظیم خواسته‌ها

چطور تنظیم کنیم؟ در ابتدا برای گروه خودتان مشخص کنید. قدم بعدی این است که برای حل مشکل چه راه حل‌هایی وجود دارد.

۲۲

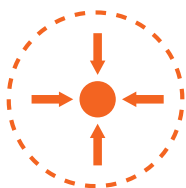


### سازمان دادن به خواسته‌ها

مسیری که افراد یک جامعه برای روی هم گذاشتن خواسته‌های فردی و تبدیل آن به خواسته‌ی جمعی طی می‌کنند، همان سازمان دادن به خود و خواسته‌های خود است.

۱۶

## فهرست:



### سخن پایانی

این نوشته فقط کمکی است به تحریک ذهنی شما برای اندیشیدن به این ابتکار عمل‌ها و سوق دادن به سوی عمل اجتماعی با دادن درکی از نقشه‌ی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و سودای بهتر شدنش را در سر می‌پروانیم.

۴۴



### نظارت و فساد

ما باید با فساد رو در رو شویم. باید از خود پرسیم: فساد چیست؟ چطور به وجود می‌آید؟ در چه شکل‌هایی اتفاق می‌افتد؟ چرا اتفاق می‌افتد؟ و چطور می‌شود جلوی آن را گرفت یا لااقل کمترش کرد؟

۳۶



### نظارت و پیگیری

ناچاریم که برپیکره‌های تصمیم‌گیری (مثل شوراهای یا مجلس) و پیکره‌های اجرایی (مثل دولت یا شهرداری‌ها) نظارت کنیم و پیگیر باشیم تا مطمئن شویم که رای‌مان را به قیمت مناسبی فروخته ایم.

۳۰

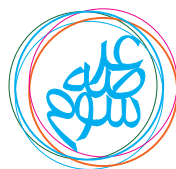
## فهرست:



### تعریف جامعه مدنی از منظر عرصه سوم

«عرصه سوم» مأموریت خویش را به عنوان یک سازمان جامعه مدنی فراهم ساختن ابزار، منابع و فرصت‌ها برای آموزش و همکاری با سازمان‌ها برای توانمندسازی و کثرت‌گرایی در داخل و خارج ایران و جوامع مرتبط می‌داند.

۴۶



### درباره عرصه سوم

سازمان غیر دولتی و ناسودبر «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان نهاده شد و به ثبت رسید.

۴۵

# تقویت

## جامعه مدنی

اگر نقش تسهیل‌کننده‌ی جامعه مدنی را در نظر داشته باشیم، خواهیم دید که وقتی از تقویت جامعه مدنی حرف می‌زنیم فقط از یک شعار قشنگ حرف نمی‌زنیم، فقط از شعاری که در جامعه‌های دیگر مطرح شده یا در سطح جهانی از آن حرف زده می‌شود، حرف نمی‌زنیم. از چیزی حرف می‌زنیم که برای جامعه خودمان ضروری است، چون در نهایت هزینه‌ی تصمیم‌گیری‌های عمومی را کاهش می‌دهد و سود همه‌ی ما را، از دولت گرفته تا مردم، بیشتر می‌کند.

تقویت جامعه مدنی، در یک جمله، یعنی تلاش برای آن که ماشین جامعه مدنی بهتر کار کند، موثرتر و کارآمدتر باشد و سود بیشتری نصیب کل جامعه کند.

یکی از خط‌مشی‌های مهم برای تقویت جامعه مدنی «توانمند» کردن آن است: یعنی افزایش قابلیت‌های آن، با این هدف که نقش‌ها و انتظاراتی که بردوش جامعه مدنی و سازمان‌های جامعه مدنی است، بهتر برآورده شود.

”تقویت جامعه

مدنی، در یک

جمله، یعنی تلاش

برای آن که ماشین

جامعه مدنی بهتر

کار کند، موثرتر و

کارآمدتر باشد و سود

بیشتری نصیب کل

جامعه کند.“

# توانمند کردن جامعه مدنی

پیش از این جامعه مدنی و سازمان‌هایش را به یک ماشین تشبیه کردیم. حالا باید به این فکر کنیم که این ماشین که طرز کارش را می‌دانیم چطور بهتر کار خواهد کرد و برای بهتر کارکردنش چطور می‌توانیم توان آن را افزایش دهیم. «توانمندسازی» از دل همین فکر بیرون می‌آید. بر این اساس می‌توان به طور کلی برای تلاش‌هایی که برای کارآمد کردن ماشین جامعه مدنی صورت می‌گیرد، عنوان «توانمندسازی» را اطلاق کرد.

- توانمند سازی یک فرآیند است. یک جریان پیوسته است. فرآیندی است که در طی آن:
- فرد یا جامعه از نیازها و خواسته‌های خود آگاهی به دست می‌آورد؛
- فرد یا جامعه خود را برای برطرف کردن آن نیازها و خواسته‌ها تجهیز می‌کند؛ و در نهایت
- برای برطرف کردن آن نیازها یا تحقق آن خواسته‌ها از اعتماد به نفس لازم برخوردار می‌شود.

”توانمند سازی یک فرآیند  
ویک جریان پیوسته است.  
فرآیندی که در طے آن  
از نیازها و خواسته های  
خود آگاهے به دست  
مے آورد، خود را تجهیز  
مے کند و در نهایت برای  
تحقق آن از اعتماد به نفس  
لازم برخوردار مے شود.“

# توانمند کردن جامعه مدنی از خلال شوراهای

۱۴

همان طور که گفته شد، توانمند کردن جامعه مدنی یعنی بهتر کردن کارکرد آن. فرض جامعه‌های بزرگ امروزی این است که دولت، وکیل یا نماینده‌ی کل مردم یک کشور است برای آن که خواسته‌ها و نیازهای آنان را برآورده کند. شهرداری‌ها هم در سطح شهرها همین نقش را دارند. اما هیچ فکر کرده‌اید که دولت در سطح ملی و شهرداری‌ها در سطح شهرها چطور باید از خواسته‌های ما با خبر شوند.

برای آن که دولت در سطح کشوری و ملی از خواسته‌های مردم به صورت روشمند باخبر شود، پیکره‌ای به عنوان مجلس شورای اسلامی تاسیس شده است. و برای آن که در سطح محلی شهرداری‌ها و دهرداری‌ها از خواسته‌ها و نیازهای مردم باخبر شوند، پیکره‌ی

شوراهای شهر و روستا پیش‌بینی شده است. در واقع، شوراهای بخشی از پیکره‌ی تصمیم‌گیری‌های حکومتی در سطح محلی هستند همان‌طور که مجلس همین نقش را در سطح ملی ایفا می‌کند. به این معنا، شوراهای واسطه‌ای بین بخشی از حکومت و جامعه مدنی‌اند. اگر قرار است شوراهای این مأموریت را به درستی انجام دهند، پرسش این خواهد بود که ما به عنوان شهروند، عضو سازمان‌های جامعه مدنی، کسی که در حرکت‌های مدنی مشارکت می‌کند یا در رویدادهای مدنی سهیم می‌شود برای بهبود و کارآمد کردن این نقش چه می‌توانیم بکنیم و چگونه می‌توانیم جامعه مدنی خود را به شکلی توانمند کنیم که شوراهای را هم در راه رسیده به آن هدف‌ها یاری دهیم.

# ”شوراهای بخشی از پیکره‌ی تصمیم‌گیری‌های حکومتی در سطح محلی هستند.“

# سازمان دادن به خواسته‌ها

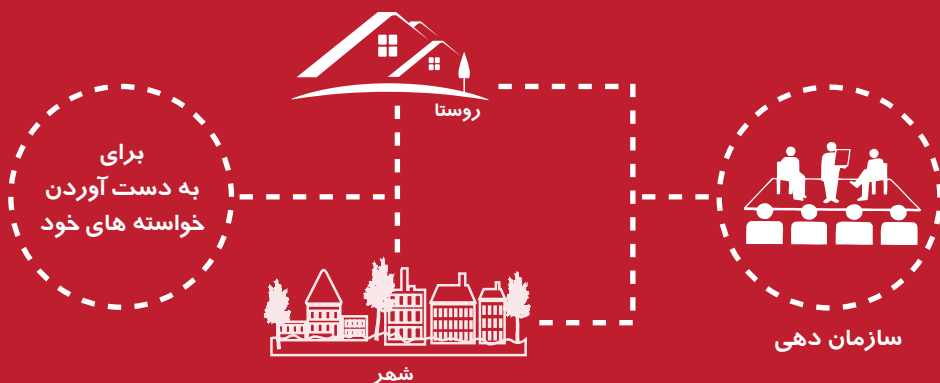
شاید یکی از خواسته‌های شما این باشد که مدرسه‌ای که فرزند یا برادر و خواهر شما به آن می‌روند کیفیت رفاهی یا کمک آموزشی بهتری داشته باشد. اما می‌دانید که بهتر شدن کیفیت رفاهی یا کمک آموزشی مدرسه مستلزم بودجه بیشتر و بهبود کارایی آن است. اما شما (اگر فرد خیلی متمولی نیستید) چطور می‌توانید به صورت فردی بودجه مدرسه را افزایش دهید؟ تقریباً هیچ جور. این جاست که شما و کسانی که مثل شما فکر می‌کنند و همین خواسته را دارند باید بتوانند خواسته‌ی خود را دنبال کنند و مثلاً آن را در دستور کار اداره‌ی آموزش و پرورش محل بگذارند و آن‌ها آن را به سطوح تصمیم‌گیری بالاتر برسانند و در نهایت با افزایش امکانات مدارس، شما هم به خواسته‌ی خودتان برسید.

مسیری که افراد یک جامعه برای روی هم گذاشتن خواسته‌های فردی و تبدیل آن به خواسته‌ی جمعی طی می‌کنند، همان سازمان دادن به خود و خواسته‌های خود است. سازمان دادن نیاز دارد که ما در قالب گروهی از مردم که نیازها، خواسته‌ها یا منافع مشترک داریم، جمع شویم.



- به نظر شما مردم چطور می توانند برای خواسته هاشان در سطح شهر و روستا به خود سازمان بدهند؟

۱۷



## چطور سازمان بدهیم؟

شکل‌های گرد هم آمدن مردم در قالب یک سازمان اجتماعی متفاوت است. بگذارید برخی از این اشکال سازماندهی را در قالب مشکلات روزمره مرور کنیم:

می‌دانیم که برخی از مردم در وضعیت اقتصادی بدی زندگی می‌کنند. به قول معروف دستشان به دهانشان نمی‌رسد. آن‌ها غیر از این که پول کافی ندارند، از بهداشت و تحصیلات هم کمتر بهره‌مند می‌شوند. اگر شما و جمعی دیگر از مردم در قالب یک انجمن خیریه به دنبال این باشید که به این افراد کمک کنید شما یکی از سازمان‌های جامعه مدنی را شکل داده‌اید.

اما اگر همین خیریه فقط به دنبال این باشد که نیازهای این مردم فقیر را برآورده کند، شاید نتواند به قدر کافی در حل مشکل جلو برود. شاید بهتر باشد به دنبال راه حل‌هایی باشد که این مردم هم توانایی‌های بیشتری به دست بیاورند و روی پای خود بایستند هم از افزایش تعداد افرادی که ممکن است فردا به این مردم فقیر اضافه شوند، جلوگیری کنیم.

این جا شما وارد مرحله‌ی دیگری از سازماندهی می‌شوید. مهم نیست که شما کماکان در قالب یک انجمن خیریه به کارتان ادامه می‌دهید یا شکل و عنوان سازمان‌تان را عوض می‌کنید. مهم این است که شما در این مرحله به دنبال این خواهید رفت که بتوانید سیاست‌هایی را به شورای محل خود ارائه بدهید که با دنبال کردنش، شما به هدف‌های خیرخواهانه‌ی خود برای کمک به مردم فقیر دست بیابید.



• با افراد متخصص مشورت کنید، نوشته‌هایی را که در این زمینه وجود دارد، بررسی کنید، سری به اینترنت بزنید و ببینید در جامعه‌های مختلف برای کمک به این قبیل افراد چه سیاست‌هایی در سطح محلی در پیش گرفته‌اند.

• ببینید کدام یک از این سیاست‌ها در سطح محلی برای جامعه ما کاربرد دارد.

• اگر مشکل - غیر از سطح محلی - نیازمند اقداماتی در سطح ملی است (مثلاً از طریق مجلس یا دولت) ببینید از چه مسیری تا آن جا باید پیش رفت؟



## چطور سازمان بدهیم؟

شما ممکن است با شورای شهر و از آن طریق با شهرداری وارد گفت و گو شوید و آنان را قانع کنید تا:

- برای تحصیل فرزندان این خانواده‌ها تسهیلاتی در نظر بگیرند؛
- بیمه‌های تکمیلی در اختیار آنان قرار دهند؛
- اصلاً صندوقی برای پشتیبانی از این خانواده‌ها درست کنند؛
- برای مردمی که به این صندوق کمک می‌کنند معافیت‌هایی (مثلاً در مورد عوارض شهری) در نظر بگیرند؛
- از انجمن‌هایی که به این خانواده‌ها کمک‌های داوطلبانه می‌کنند، حمایت عملی کنند؛
- و ...

فهرست این اقدامات پایان ناپذیر است. به علاوه، روشن است که مشکلات اجتماعی فقط به فقر گروهی از مردم محدود نمی‌شود. اگر به سایر مشکلاتی که در محل زندگی شما وجود دارد توجه کنید، موارد زیادی پیدا خواهید کرد، از آلودگی هوا تا مشکلات خانوادگی، از کمبود آب تا تصادفات جاده‌ای، از خشونت خانگی تا نبودن کار، از مزاحمت‌های خیابانی برای زنان تا زیاده‌روی مردم در غذای خانه‌های خود یا در رستوران‌ها و مراسم گوناگون.



اگر شما فکر می‌کنید که کمک به سازماندهی مدنی برای حل مشکلات مفید است، آیا به این هم فکر کرده‌اید که:

- اگر در انتخابات شورای محل خود به نامزدی رای بدهید که حمایت از این سازمان‌ها را در دستور کار خود قرار داده، یک قدم به خواسته‌ها تان نزدیک‌تر شده‌اید؟
- اگر بخواهید به عنوان نامزد شوراها وارد فعالیت شوید، موضوع حمایت از این قبیل سازمان‌ها می‌تواند یکی از برنامه‌های تبلیغاتی و دستور کار بعدی شما در صورت موفقیت باشد؟

۲۱



# تنظیم خواسته‌ها

اگر شما به فکر انجمنی باشید که مثلاً می‌خواهد برای کاهش تصادفات جاده‌ای و کاهش تلفات و معلولیت‌های این تصادفات کاری بکند، شما خود را برای حل یکی از مشکلاتی که با آن روبرو هستید سازماندهی کرده‌اید. این جا ممکن است سرو کار شما با عوامل گوناگونی باشد که در این وضعیت سهیم‌اند. از کارخانه خودروسازی تا وزرات راه و ترابری، از اداره راهنمایی و رانندگی تا راننده‌ها و عابران، از مدرسی که می‌توانند آموزش مناسب بدهند تا رسانه‌های گروهی که می‌توانند اطلاع‌رسانی کنند. حال از کجا باید شروع کرد؟

## چطور تنظیم کنیم؟

وقتی شما به صورت یک گروه با هدف مشخص گردهم آمده‌اید، در نخستین قدم لازم است که ببینید خواسته‌ای که دارید را چطور می‌توانید به قالب یک خواست مشخص بریزید. مثلاً فرض کنید که شما تشخیص داده‌اید که خشونت خانگی در منطقه‌ی زندگی شما زیاد است و زنان به طور خاص از این خشونت خانگی رنج می‌برند. ضمناً متوجه شده‌اید که ترتیباتی هم برای حمایت از این زنان وجود ندارد. اگر به ابزاری به عنوان شورای محل فکر کنید ممکن است اولین قدم‌ها را هم برای تنظیم خواسته‌های خود برداشته باشید.



تنظیم خواسته‌ها



از کجا شروع کنیم؟

## چطور تنظیم کنیم؟

### ۱) برای گروه خودتان مشخص کنید:

• زنان بیشتر از چه خشونت‌ی در خانواده رنج می‌برند؟ خودشان چطور آن را بیان می‌کنند؟ چه راه حل‌هایی را امتحان کرده‌اند؟ از چه راه حل‌هایی نگران می‌شوند؟ چه موانعی را برای حل مشکل جلوی خود می‌بینند؟  
برای فهمیدن پاسخ این پرسش‌ها هم می‌توانید با خود این زنان گفت‌وگو کنید هم از متخصصان برای تجزیه و تحلیل حرف‌های آنان استفاده کنید.

### ۲) قدم بعدی این است که برای حل مشکل چه راه‌هایی وجود دارد.

برای این کار هم با اهل فن مشورت کنید هم جستجو کنید و ببینید در جاهای دیگر، اعم از کشور خودمان یا در کشورهای دیگر، برای این مشکل چه ابتکار عمل‌هایی پیشنهاد یا اجرا کرده‌اند. مشخص کنید که:

• این ابتکار عمل‌ها چقدر بر توانمند کردن فرد تکیه دارند و چقدر بر توانمند کردن جامعه؟ اگر از حمایت‌های اجتماعی برای حل این مشکل استفاده شده، این حمایت‌ها چه شکل‌هایی داشته‌اند؟ (مثلاً ایجاد خانه‌های امن، اقدامات حقوقی برای حمایت از قربانی خشونت، آموزش مواجهه با خشونت) از میان این اقدامات، کدام‌ها باید از جانب شورای محل شما یا با حمایت شهرداری و دهداری منطقه‌ی شما اجرایی شود یا مورد حمایت قرار گیرد؟ (مثلاً ایجاد خانه‌های امن) کدام یک از این اقدامات باید در سطوح بالاتر تصمیم‌گیری به ثمر برسد؟ (مثلاً تنظیم قوانین حمایتی)

• برای هر کدام از این موارد طرحی بنویسید. مشخص کنید که دقیقاً چه چیز را از چه مقام یا ارگانی در چه زمانی، به چه شکلی، و برای رسیدن به چه دستاوردی بخواهید.  
• همه این‌ها را در یک جدول مشخص کنید. و بعد ببینید برای پیگیری آن‌ها به چه حمایت‌های جانبی (مثلاً از طرف رسانه‌ها) نیاز دارید.

همه‌ی این کارها را که انجام دهید، در پایان یک دستور کار مشخص دارید، دستور کاری که به شما می‌گوید گروه‌تان چه می‌خواهد، چرا می‌خواهد، به چه شکلی می‌خواهد، از چه کسی می‌خواهد و برای آن می‌خواهد چه کار کند. به این ترتیب دستور کار گروهی شما اکنون مشخص شده است.



# تبدیل به دستور کار اجتماعی

حالا شما ممکن است یک دستور کار گروهی داشته باشید. اما از کجا معلوم که برای دیگران و برای گروه‌های دیگر این خواسته‌ی شما همان قدر اهمیت داشته باشد که برای شما اهمیت دارد؟ از کجا معلوم که مردم حاضر باشند از خواست شما پشتیبانی کنند؟ از کجا معلوم که اعضای شورا یا مقامات محلی حاضر باشند به خواسته‌های شما ترتیب اثر بدهند؟ ممکن است اصلاً خشونت خانگی را مسالۀ ی مهمی ندانند؟ آن‌ها ممکن است با صدها مشکل دیگر دست به گریبان باشند و به نظرشان برسد که خشونت خانگی اولویتی ندارد. ممکن است به این نتیجه برسند که منابع لازم را برای حمایت از خواسته شما ندارند. حالا از این هم صرف‌نظر کنیم که شاید اصلاً به شما برچسب‌هایی بزنند تا شما را از این کار باز دارند. اما راستش را بخواهید همه‌ی این‌ها تا حد زیادی طبیعی است و در اغلب جامعه‌ها - کم یا بیش - در شکل‌های مختلف وجود دارد. دلیلش هم خیلی روشن است. مردم گاهی از وجود یک مسالۀ آگاهی ندارند، معمولاً دیدگاه‌های مختلفی دارند، به چیزهای متفاوتی اهمیت می‌دهند، منافع متفاوت و بعضاً متضادی دارند. همه‌ی این‌ها می‌تواند باعث شود آن دستور کاری که شما برای حل مشکل خشونت خانگی تهیه کرده‌اید از داخل گروه شما قدمی هم جلوتر نرود.



# چطور دستور کار را اجتماعی کنیم؟

وقتی شما می‌خواهید کاری کنید که بقیه‌ی مردم و مقامات هم به اهمیت مساله‌ای که شما در پی حلش هستید پی ببرند، باید بتوانید عده‌ای را قانع کنید، با خود همراه کنید، پشتیبانی آن‌ها را به دست بیاورید، مقاومت‌ها را کاهش دهید، و در نهایت از فشار اجتماعی حاصل برای جلو بردن دستور کاری که فکر می‌کنید درست است، استفاده کنید.

برای این که مردم بیشتری قانع بشوند که مثلاً خشونت خانگی مساله‌ی مهمی است، شما باید بتوانید یک نوع فضای گفت و گوی عمومی‌تر در مورد این مساله ایجاد کنید. این همان است که می‌شود از آن به عنوان «گفتمان سازی» نام برد. یعنی این که مردم بیشتری در این باره حرف بزنند، اهمیت آن را دریابند، برایش واژه‌هایی بسازند یا با واژه‌های ساخته شده‌اش آشنا باشند، بدانند شما و دیگرانی که این مساله را مهم می‌دانید از چه چیز و چرا حرف می‌زنید.

برای ساختن این گفتمان‌ها در سطح خرد هم شما می‌توانید از گفتمان‌های عمومی‌تری که در سطح جامعه وجود دارد کمک بگیرید. در این مورد هم رسانه‌های همگانی نقش دارند، هم رسانه‌های اجتماعی هم رسانه‌های سنتی و آدم‌های متنفع محلی از منبر و هیئت گرفته تا جلسات محفلی. اگر معلم، استاد، روحانی یا شخصیت معتبری در منطقه شما وجود دارد که می‌تواند از این مساله حرف بزند در قانع کردن او تردید نکنید. پای او را از همین جهت به رسانه‌ها باز کنید. در محافل از این موضوع حرف بزنید، این افراد را برای سخنرانی یا شرکت در جلسات دعوت کنید، کارگاه بگذارید، آموزش بدهید، جزوه‌ی آموزشی یا کاربردی تولید کنید، از رسانه‌های اجتماعی استفاده کنید، از همکاری هنرمندان برای تولید کارهای صوتی و بصری استفاده کنید، محصولات موجود را نمایش دهید، و در هر حال سعی کنید فضایی بسازید که توجه به این موضوع جلب شود.

با نمایندگان شورای خود حرف بزنید. آن‌ها در این مرحله باید با موضوع آشنا شده باشند. اکنون زمان آن است که از آن‌ها خواستار پشتیبانی شوید. از آن‌ها بخواهید دستور کار شما را - در بخش‌هایی که به حمایت عملی یا قانونی شورا نیاز دارد - دنبال کنند. از آن‌ها حمایت بخواهید و به آن‌ها حمایت بدهید. این یک داد و ستد آشکار سیاسی است.

اگر خود شما یا یکی از گروه شما هم بخواهد نامزد انتخابات بشود همین سازوکارها به کمکش خواهد آمد. اگر شما توجه مردم را به دستور کار خود جلب کرده باشید یعنی حمایت گروهی از مردم را برای حل این مشکل خواهید داشت. اگر مردم احساس کنند این مساله برایشان مهم است، کسی هم که برای حل این مساله طرح و تدبیری دارد، مهم خواهد شد. اما به یاد داشته باشید که این موضوع فقط یکی از موضوعاتی است که مردم ممکن است به آن توجه کرده باشند. اگر موضوع مبارزه انتخاباتی در میان باشد، سبد موضوعاتی که باعث جلب توجه مردم می‌شود باید از این مقدار پرو پیمان تر باشد. این فقط یکی از اقلام سبد مبارزات انتخاباتی است.



• ما در این جا از خشونت خانگی تنها به عنوان یک مثال استفاده کردیم تا نشان دهیم که چطور باید آن را از سطح گروهی به سطح اجتماعی برد و آن را به دستور کار جامعه برای حل یک مشکل بدل کرد.

• حالا شما مساله‌ی دیگری را که در محل زندگی شما مهم است و می‌تواند در سطح محلی و با استفاده از ابزارهایی مانند شوراهای محلی بهبود یابد در نظر بگیرید و مشابه آن چه در مورد خشونت خانگی گفته شد را به صورت فرضی در مورد آن پیاده کنید.

• نقشه‌ی مساله‌ها، راه‌حل‌ها، موانع، امکانات، حمایت‌ها، مخالفت‌ها و مانند آن را ترسیم کنید و سناریوهای گوناگون را برای تبدیل آن به دستور کار اجتماعی بررسی کنید.



# نظارت و پیگیری

شما به خود و خواسته‌هایتان شکل داده‌اید، با دیگران همراه شده‌اید، خواسته‌های خود را به قالب فعالیت گروهی و سازمان یافته ریخته‌اید، این خواسته‌ها را تنظیم کرده‌اید و به دستور کار گروهی مشخصی بدل کرده‌اید، با تلاش و کوشش و بسیج دیگران آن را به دستور کار اجتماعی معینی تبدیل کرده‌اید و به سطح تصمیم‌گیری عمومی (یا همان سیاسی) - مثلاً در سطح شورای شهر یا روستا - رسانده‌اید، به عبارت دیگر آن را به دستور کار سیاسی یا عمومی بدل کرده‌اید.

اما اگر فکر می‌کنید کار شما به پایان رسیده است، اشتباه می‌کنید! مرحله‌ی دیگری از کار شما تازه آغاز شده است: از کجا معلوم که مقامات تصمیم‌گیرنده در سطح عمومی یا سیاسی دنبال دستور کار شما را بگیرند؟ از کجا معلوم که آن‌ها دستور کار شما را چنان تغییر ندهند که از هدف‌هایش دور شود؟ از کجا معلوم که برایش اعتبار لازم را تخصیص دهند؟ از کجا معلوم که پس از تصمیم‌گیری در سطح سیاسی (مثلاً از جانب نمایندگان شورا) در سطح اجرایی دستور کار پیشنهادی شما به درستی پیاده شود؟

برای هیچ کدام از این موارد تضمینی در کار نیست. ما خواه به عنوان شهروندان عادی خواه در قالب شهروندانی که به صورت گروه خود را سازمان داده‌ایم، ناچاریم که بر پیکره‌های تصمیم‌گیری (مثل شوراها یا مجلس) و پیکره‌های اجرایی (مثل دولت یا شهرداری‌ها) نظارت کنیم و پیگیر باشیم تا مطمئن شویم که رای مان را به قیمت مناسبی فروخته‌ایم. اما چگونه؟



## چطور نظارت کنیم؟

برای نظارت بر دستگاه‌های مختلف، سازمان‌های رسمی وجود دارند. اما امروزه با گسترده و پیچیده شدن فعالیت‌ها، نظارت‌های رسمی همه گاه مفید یا کافی نیست. به همین دلیل ابزارهای نظارت عمومی نیز به آن ابزارهای رسمی اضافه شده است. بد نیست برخی از این ابزارها را که می‌توانیم برای نظارت خود به کار بگیریم از نظر بگذرانیم:

• **پیگیری:** قرار نیست ما نماینده‌ها را به حال خود رها کنیم. آنان باید احساس کنند که رها نشده‌اند و ما مثل روزهای انتخابات مراقب حرف‌ها و حرکت‌های آن‌ها هستیم. اگر ما خبرها را دنبال کنیم، اولین قدم را در این راه برداشته‌ایم.

• **حضور:** قدم دیگر این است که ما به صورت فردی یا سازمان یافته در جلسات شوراها به عنوان تماشاگر حضور پیدا کنیم، اگر مجالی برای این کار باز نگذاشته‌اند، فشار بیاوریم که حضور مردم را به عنوان تماشاگر بپذیرند. در کنار جلسات شورا با نمایندگان در مورد حرف‌ها و کارهایشان و انتظارات خودمان حرف بزنیم.

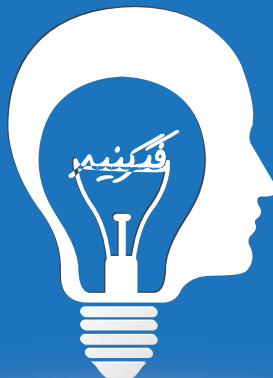
• **ملاقات:** با آنان قرار ملاقات و جلسه بگذاریم. در این موارد سماجت داشته باشیم. آنان باید بدانند که هنوز هستیم و به خانه برگشته‌ایم. آنان باید حواسشان را جمع کنند چون ما نشان می‌دهیم که حواسمان به کار آنها جمع است.

• **رسانه‌های همگانی:** امروزه رسانه‌های همگانی یکی از ابزارهای مهم نظارتی شده‌اند. با ظهور رسانه‌های اجتماعی این نظارت رسانه‌ای گسترده‌تر شده است. اگر در جلسات شوراها جایی برای تماشاگران نیست، از رسانه‌های محلی بخواهیم جزئیات بیشتری از حرف‌ها، مواضع، حرکت‌ها و تصمیمات شوراها را منعکس کنند. همین اتفاق در مورد سازمان‌های رسمی دیگر هم، از شهرداری تا آموزش و پرورش و اداره بهداشت لازم است.

• **رسانه‌های اجتماعی:** اگر رسانه‌های همگانی در این زمینه فعال نیستند، حالا هر شهروندی به رسانه‌های اجتماعی و ابزارهای اطلاع‌رسانی دسترسی دارد. از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا ابزارهای موبایلی، از اینستاگرام تا تلگرام، راه‌های زیادی برای نشان دادن نظارت وجود دارد.



- شما احتمالاً مشتری رسانه‌های اجتماعی و ابزارهای موبایلی هستید. به نظرتان چطور می‌شود از این رسانه‌ها و ابزارها برای نظارت بر کار شوراها و شهرداری‌ها و مانند آن‌ها استفاده کرد.



## چطور نظارت کنیم؟

• **انجمن‌های تخصصی:** انجمن‌های تخصصی زیادی وجود دارند که همیشه جزئی از سازمان‌های جامعه مدنی به حساب می‌آمده‌اند، از حسابداران قسم خورده تا کارشناسان رسمی دادگستری، از کانون وکلا تا انجمن‌های حامی محیط زیست یا میراث فرهنگی. این سازمان‌ها در اساس برای ایفای نقش نظارتی به وجود نیامده‌اند. اما استفاده از توانایی‌های تخصصی این انجمن‌ها برای نظارت بر کار نمایندگان و دستگاه‌های اجرایی می‌تواند شکل فعال‌تر و مفیدتری بگیرد اگر ما آن‌ها را به این سمت سوق بدهیم.

• **انجمن‌های ابتکاری:** تشکیل انجمن‌های مختلف منع قانونی ندارد. چرا ما باید خود را به انجمن‌های موجود محدود کنیم. شاید سال‌ها قبل گروه‌هایی برای حمایت از سگ‌ها و گربه‌های ولگرد وجود نداشت. اما به ضرورت تحول در طرز زندگی و طرز فکر مردم، شاهد ظهور این گروه‌ها هم هستیم، کما این که آلودگی آب و هوا و زمین امروزه خیلی‌ها را به سوی فعالیت‌های مدنی داوطلبانه کشیده که سابق بر این از آن‌ها خبری نبود. موضوع نظارت هم از همین قرار است. البته اگر فکر می‌کنید اسم نظارت برای یک گروه ممکن است فعالیت‌های آن را با محدودیت مواجه کند در بند اسم نباشید، مهم این است که رسم نظارت را به جا آورید حتی اگر مثلاً نام انجمن تان چیزی مثل انجمن حامیان یا یاران شورای شهر باشد.

• **تهیه کارنامه:** نمایندگانی که شما (در این مورد در سطح محلی) انتخاب کرده‌اید یا سازمان‌های اجرایی در منطقه‌ی شما بیش و کم برای خود گزارش عملکردهایی دارند. لازم است ما هم برای آنان کارنامه‌هایی از جانب خود تهیه کنیم و به فعالیت‌های آنان نمره بدهیم. این کار می‌تواند در قالب گروهی و با استفاده از ارزیابی‌های همان انجمن‌های تخصصی صورت بگیرد. رسانه‌های همگانی محلی و رسانه‌های اجتماعی نیز راه انتشار این کارنامه‌ها را هموار کرده‌اند.



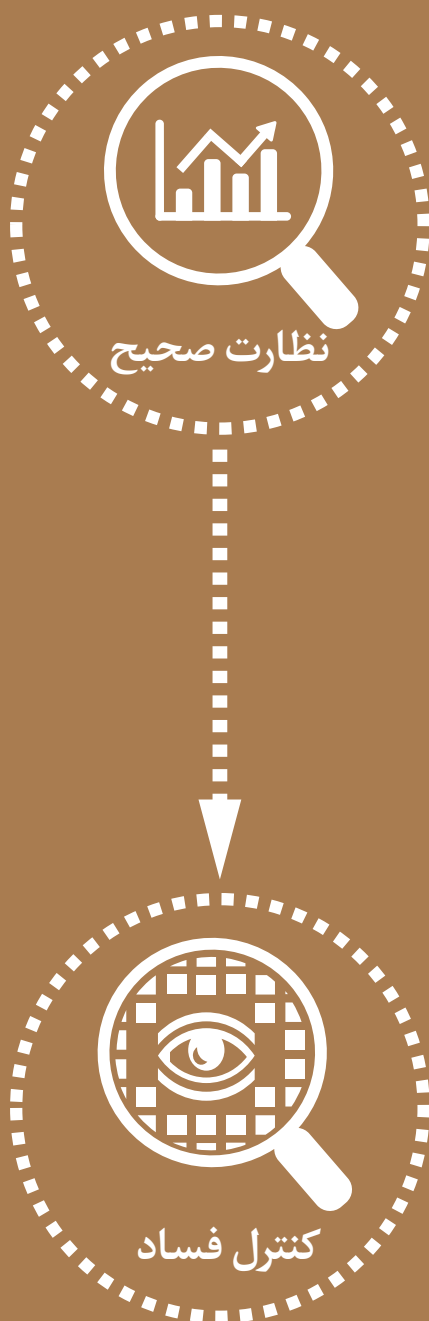
- با افراد واردتر مشورت کنید. روزنامه‌ها و مجلات و وبسایت‌ها را جستجو کنید، رسانه‌های اجتماعی را مرور کنید، در گوگل و دیگر ابزارهای جستجو، کاوش کنید و ببینید به چه ابتکار عمل‌هایی برای نظارت بر می‌خورید.
- ببینید هر کدام از این ابتکارات را چگونه می‌توانید با جرح و تعدیل در محیط زندگی خود به کار بگیرید.



# نظارت و فساد

ما تا به حال از نظارت به عنوان ابزاری حرف زده‌ایم که به ما کمک می‌کند دغدغه‌ها، خواسته‌ها و نیازهای فردی خود را به عنوان شهروندانی ساده دنبال کنیم یا دستور کارهای گروهی خود را به عنوان شهروندانی سازمان یافته پیگیری کنیم و بر قول و قرارها و تعهدات نهادهای نمایندگی و اجرایی نظارت داشته باشیم.

اما درست کار کردن این نهادها به همین جا ختم نمی‌شود. پیکره‌های تصمیم‌گیری (مثل شوراها یا مجلس) و پیکره‌های اجرایی (مثل دولت یا شهرداری‌ها) در هر حال بیش از هر یک از ما به منابع عظیمی دسترسی دارند. این منابع عظیم همیشه در معرض سوء استفاده هم قرار دارند. این سوء استفاده می‌تواند در قالب حقوق‌های نجومی باشد، یا در قالب املاک نجومی که به دوست و آشنا واگذار می‌شود، می‌تواند در قالب پارتی بازی برای استخدام دوست و آشنا در دستگاه‌های عمومی باشد یا در قالب دادن اطلاعات مربوط به طرح‌های عمران شهری به نزدیکان تا آن‌ها که از منافعش سود ببرند. همه‌ی این نوع از سوء استفاده‌ها را امروزه در اصطلاح «فساد» می‌نامند. بنابراین، نظارت برای کنترل فساد هم ضرورتی تام و تمام دارد.



## گسترده فساد

امروزه همه‌ی ما با اخبار فساد به صورت روزمره سروکار داریم. گذشته از فساد نسبتاً شایع در دستگاه‌های مختلف، شهرداری‌ها از قدیم همواره در مظان اتهام فساد بوده‌اند. در تصور مردم شهرداری یکی از سازمان‌هایی است که در آن فساد زیادی وجود دارد. در سال‌های اخیر با استقرار و تداوم شوراهای شهر و روستا در کشور، آن‌ها هم با وجود انتخابی بودن و دوره‌ای بودن در مظان اتهام فساد قرار گرفته‌اند. از آن‌جا که شوراهای یکی از ابزارهای مهم برای پیشبرد مطالبات جامعه مدنی به شمار می‌روند، در معرض فساد قرار گرفتن‌شان می‌تواند به تضعیف جامعه مدنی هم منجر شود.

با این حساب، ما شهروندی معمولی باشیم یا یکی از آن‌ها که برای مناصب عمومی، مانند عضویت در شوراهای، فعالیت می‌کنیم، باید و باید نسبت به فساد حساس باشیم. ما باید با فساد رو در رو شویم. باید از خود بپرسیم: فساد چیست؟ چگونه به وجود می‌آید؟ در چه شکل‌هایی اتفاق می‌افتد؟ چرا اتفاق می‌افتد؟ و چگونه می‌شود جلوی آن را گرفت یا لاقلاً کمترش کرد؟

**برای این منظور شاید بد نباشد به این ترتیب پیش بروید:**

### ۱ جستجوی اکتشافی

موارد فساد را که تا به حال در ارتباط با شورای محل سکونت شما یا شهرداری و دهمداری اتفاق افتاده است فهرست کنید.

- برای این کار ممکن است اخبار نشریات محلی یا حتی ملی به کمک شما بیاید.
- اگر از مردم مواردی را می‌شنوید سعی کنید ته توی آن را در بیاورید و به فهرست خود اضافه کنید.
- ببینید این فسادها بیشتر در چه دستگاه‌هایی رخ می‌دهد.
- دریابید که آیا این فسادها بیشتر در چه شکلی رخ می‌دهد (مثلاً اختلاس، تبانی، پارتی‌بازی، رشوه و...)

### ۲ علت یابی

ببینید در هر مورد چه عامل‌هایی باعث بروز فساد شده است. هم در داخل خبرها می‌توانید این عامل‌ها را پیدا کنید هم از طریق گفت و گو با افرادی که اطلاعات دقیق‌تری در این مورد دارند.

**این عوامل ممکن است ناشی از:**

- نقص قوانین،
  - ابهام در قوانین،
  - شفاف نبودن رویه‌ها،
  - عدم امکان نظارت عمومی،
  - نبودن نظارت کافی در داخل خود دستگاه،
  - اختیارات بیش از اندازه‌ی متصدیان،
  - عدم رسیدگی قضایی به موارد قبلی
- و مانند آن‌ها باشد.



## گسترده‌گی فساد

### ۳ راه‌حل‌ها

ببینید برای هر یک از علت‌ها - مانند آن چه در موارد بالا اشاره کردیم - مشخصاً چه اقدامی باید کرد:

#### الف) اقدام‌ها:

- مثلاً رفع نواقص یا ابهام در قوانین نیازمند تجدیدنظر در قوانین موجود است.
- برای شفاف کردن رویه‌ها شاید لازم باشد تمام استخدام‌ها یا مناقصه‌ها و مزایده‌ها و صورت‌های مالی روی وبسایتی اعلام شود که هر کس به طور همزمان به آن دسترسی داشته باشد.
- برای رفع مشکل نظارت عمومی و نیز افزایش شفافیت، شاید لازم باشد که ضبط و یا حتی پخش جلسات شورا یا کمیسیون‌های آن ضروری باشد.
- اگر در خود شهرداری یا شورای شهر و روستای شما بر فعالیت‌هایی که در آن‌ها امکان فساد وجود دارد نظارتی نیست باید دید که آیا برای این نظارت مقررات موجود کافی است یا نیاز به مقررات جدید وجود دارد.
- گاهی خود قوانین ممکن است راه را برای فساد باز کنند. مقررات‌زدایی راهی است برای کاهش فساد چون زیاد شدن و پیچیده شدن قوانین خودش یکی از راه‌های پنهان شدن فساد در لوای مقررات ظاهری است.
- اگر مثلاً به موارد قبلی فساد رسیدگی نشده این موضوع ناشی از بند و بست بین اعضای دستگاه قضایی محل با شهرداری، دهداری و شوراهای محلی است یا مشکل از جای دیگری ناشی می‌شود.

## ب) سطح اقدام‌ها:

مشخص کنید که این اقدام در چه سطحی باید صورت بگیرد. برخی از اقدام‌ها در سطح محلی است برخی در سطح ملی.

- برای رفع نواقص یا ابهامات قانونی شاید نیاز به تغییر قوانین توسط مجلس باشد.
- برای شفاف کردن رویه‌های مالی و اداری شاید نیاز باشد شورای محلی را وادار کرد که در این زمینه مقررات و آیین‌نامه‌هایی وضع کند.
- اگر ضبط یا پخش مذاکرات داخل جلسات شورا از رادیوی محلی نیاز به قانون در سطح ملی دارد، پس باز هم پای مجلس و نمایندگانش به میان می‌آید.
- اگر تا آن موقع، راه دیگری نیست شاید در سطح نشریات محلی بتوان جریان مذاکرات و تصمیمات را به شکل موثرتری برای مردم گزارش کرد.
- اگر در قوانین شهرداری یا شوراها مقررات و آیین‌نامه‌های مناسبی برای نظارت در درون این دستگاه‌ها نیست پس باز هم پای قانون در میان است.
- اگر قوانین یا مقرراتی وجود دارد که باید کنار گذاشته شود، سطح اقدام شاید مجلس و یا وزارت کشور باشد یا حتی خود شهرداری و دهرداری یا شورای محل.

## ج) اقدام شما:

شما چه می‌توانید بکنید؟ اگر شما شهروندی عادی هستید راه‌های مختلفی می‌توانید در پیش بگیرید. اگر شما خودتان قرار است نماینده‌ی شورا بشوید از هم‌اکنون می‌توانید در قالب یک شهروند عادی برخی از این اقدامات را در پیش بگیرید. اگر در آینده خودتان عضو شورا شدید هم این تجربه‌ها به درد شما می‌خورد هم می‌دانید در داخل شورا چه رویه‌ای در پیش بگیرید که امکان فساد کاهش بیابد.

- در سطح فردی شما می‌توانید در جلسات شورا حضور پیدا کنید. نمایندگان شوراها وقتی ببیند مردم در جلسات‌شان حضور دارند عملاً بر رفتار و گفتار خود تا حدی مهار می‌زنند.
- اخبار فساد را با حساسیت دنبال کنید. زیاد شدن اخبار فساد نباید شما را بی‌تفاوت کند. بی‌تفاوتی شما فساد را کمتر نمی‌کند، بلکه راحت‌تر و در نتیجه بیشتر می‌کند.

- اگر به نماینده‌ی شهر خود دسترسی دارید با او ملاقات کنید. موارد فساد، علت‌ها و راه‌های جلوگیری را با او در میان بگذارید. فراموش نکنید که موضوع را از او پیگیری کنید. برای موثر بودن گفت و گوها می‌توانید مسوولیت او را با توجه به آگاه شدنش از موضوع فساد گوشزد کنید تا احساس کند با او اتمام حجت می‌کنید.

- از رسانه‌های محلی برای انتشار موارد فساد، پیگیری دلایل آن و طرح بحث‌های مربوط به راه‌های جلوگیری از آن کمک بگیرید.

- اگر خودتان می‌خواهید برای نمایندگی شوراها تلاش کنید، مبارزه با فساد را در دستور کار خود و شعارهای تبلیغاتی خود بگنجانید. برای این که مردم باور کنند شما هم قرار نیست یکی از همان‌ها باشید که بعدها به فساد آلوده می‌شوند، باید بتوانید آن‌ها را در صداقت و جدیت خود در مبارزه با فساد قانع کنید. در این جاست که دانستن موارد، شیوه‌ها، دلایل، و نتایج فساد و راه‌های جلوگیری از آن به کار شما می‌آید. این طور مردم بهتر قانع می‌شوند که شما فقط شعار نمی‌دهید. بلکه مساله‌ی فساد را می‌شناسید و می‌دانید چطور می‌شود آن را حل کرد یا دست کم کاهش داد.

## گسترده‌گی فساد

### (د) اقدامات دیگر:

فساد مسأله‌ای جهانی و احتمالاً پایان ناپذیر است. فساد همه جا هست. بعضی جاها کمتر بعضی جاها بیشتر. مقایسه‌های جهانی نشان می‌دهد در جامعه‌هایی که آزادی بیان و آزادی دسترسی به اطلاعات بیشتر است فساد هم کمتر است. چون آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات باعث شفافیت اداره‌ی امور توسط دست‌اندرکاران می‌شود. همین شفافیت خودش به صورت یک عنصر نظارتی برای فساد جنبه‌ی پیشگیرانه و محدود کننده دارد. اگر شفافیت را یکی از عناصر مهم مهار فساد فرض کنیم، آن وقت خواهید دید ابتکار عمل‌ها برای کنترل فساد منحصر به چیزهایی که در بالا گفته شد نیست. شما می‌توانید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، بافت اجتماعی و فرهنگی آن، میزان باز و بسته بودن آن از نظر فعالیت‌های اجتماعی ابتکار عمل‌های دیگری در پیش بگیرید. مهم این است که هیچ اقدامی را دست کم نگیرید و به فساد بی‌تفاوت نشوید. هر اقدامی - در صورتی که به درستی سنجیده شده باشد - می‌تواند قدمی در راه مهار فساد باشد، فساد که اگر جلوی آن گرفته نشود، رفتن به شورا و رای دادن به آن در انتظار نتیجه بودن، چندان هم ثمربخش نیست: تحقیقات نشان داده است که فساد یکی از موانع توسعه و پیشرفت کشورهاست. آن را جدی تراز همیشه بگیریم و برای جلوگیری از آن جدی باشیم و ابتکار عمل به خرج دهیم.



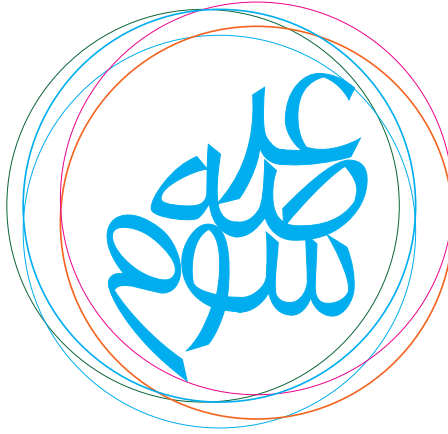
- سری به گوگل بزنید و ببیند سازمان‌های بین‌المللی برای مبارزه با فساد بر چه نکاتی انگشت می‌گذارند. همچنین ببینید در جامعه‌های دیگر چه ابتکاراتی برای مبارزه با فساد به خرج داده‌اند.
- این ابتکارات می‌تواند الهام بخش شما برای یافتن راه‌هایی متناسب با جامعه‌ای باشد که در آن زندگی می‌کنید.

۴۳



# سخن پایانی

این نوشته با این قصد فراهم آمده است تا شما را با خطوط کلی توانمند کردن جامعه مدنی آشنا کند. این جا پایان این نوشته است اما خط پایان فکر کردن به راه‌های توانمندسازی جامعه مدنی نیست. اگر توانمند کردن جامعه مدنی را بخشی از توانمندسازی شخصی برای بهبود زندگی فردی و بهبود اوضاع جامعه‌ای به حساب بیاوریم که در آن زندگی می‌کنیم، آنگاه باز هم به فکر راه‌های بیشتر و بهتری برای تقویت جامعه مدنی و در نهایت بهبود کیفیت زندگی خود خواهیم بود. راه ابتکار عمل‌های دیگر همواره باز است. این نوشته فقط کمکی است به تحریک ذهنی شما برای اندیشیدن به این ابتکار عمل‌ها و سوق دادن به سوی عمل اجتماعی با دادن درکی از نقشه‌ی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و سودای بهتر شدنش را در سر می‌پروانیم.



### درباره عرصه سوم

سازمان غیردولتی و ناسودبر «عرشه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان نهاده شد و به ثبت رسید. این سازمان به کوشش گروهی از کنشگران مدنی و شخصیت‌های علمی ایرانی و غیرایرانی در هلند با اهداف زیر شکل گرفته است:

- ترویج و گسترش اندیشه‌های مدنی، صلح‌آمیز، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، کنشگران جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ کارهای داوطلبانه
- آسان‌سازی دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- و ایجاد فضایی مناسب برای تبادل نظر، گفت‌وگو بین کنشگران جامعه مدنی و دیگر گروه‌های اجتماعی

از دیدگاه پایه‌گذاران «عرشه سوم»، جامعه مدنی کانون مقاومت، تهدید قدرت سیاسی و عرصه قدرت‌یابی شهروندان است. جامعه مدنی مرکز بروز خلاقیت‌ها، ابتکارات تازه اجتماعی و مدرسه آموزش و تمرین دموکراسی، تساهل، مدارا، شهامت و اخلاق مدنی است. جامعه مدنی همچنین کانون تولید، انباشت سرمایه اجتماعی و عرصه آزادی، رهایی و برابری است.

# تعریف جامعه مدنی از

## منظر عرصه سوم

جامعه مدنی دارای تعاریف گوناگونی است. در میان این تعاریف، «عرصه سوم» تعریف زیر را برای جامعه مدنی برگزیده است:

از نگاه «عرصه سوم»، جامعه مدنی مجموعه‌ای از سازمان‌های رسمی و نیمه رسمی است که پایه‌ها و رویه‌هایی چون دموکراسی، همکاری، حقوق، کثرت‌گرایی، صلح و عدالت را در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پشتیبانی و توانمند می‌کنند.

این سازمان‌ها خارج از نفوذ و اراده دولت‌ها قرار دارند و پیگیرانه از راه گفتگو و فشار بر نهادهای دولتی، مسئولیت دولت‌ها را در برابر حقوق شهروندی یادآور و خواسته‌های شهروندان را مطالبه می‌کنند.

بر پایه این تعریف، «عرصه سوم» مأموریت خویش را به عنوان یک سازمان جامعه مدنی فراهم ساختن ابزار، منابع و فرصت‌ها برای آموزش و همکاری با این سازمان‌ها برای توانمندسازی و کثرت‌گرایی در داخل و خارج ایران و جوامع مرتبط می‌داند.

«عرصه سوم» بر این باور است که عدم رعایت حقوق بشر و نبود صلح و دموکراسی، سه معضل اصلی جامعه ایران است. از این رو می‌کوشد تا ارتقاء دهنده‌ی حقوق همه گروه‌های جامعه و نیروهای اجتماعی از هر جنس، مذهب، قوم و گرایش سیاسی غیر خشونت‌آمیز باشد. برای

حرکت به سوی یک جامعه دموکراتیک، بررسی موانع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر در آن جامعه اهمیت دارد. «عرصه سوم» در تحقق تلاش‌های جنبش حقوق مدنی، سیاسی در ایران، برای ظرفیت‌سازی، تامین نیازهای آینده و گسترش جامعه مدنی دموکراتیک، با رهبران و فعالان جامعه مدنی ایرانی همکاری می‌کند.

در سی سال اخیر با بازگشت جامعه مدنی به عرصه دانشگاهی و سپهر عمومی، نقش آن در گوشه و کنار به شکل چشم‌گیری رشد و گسترش یافته است. به همین دلیل عده‌ای از پژوهشگران، جامعه مدنی را بزرگ‌ترین پروژه هزاره نو می‌نامند.

بنابراین جامعه مدنی به مثابه عرصه سوم در روند گسترش صلح و دموکراتیک‌سازی، به دلیل برخورداری از توانایی‌هایی چون: نمایندگی گروه‌های اجتماعی، پیوند نزدیک‌تر و گسترده‌تر با جوامع محلی، پیگیری خواسته‌های آنان، بازتاب دادن صدای مردم و گروه‌های به حاشیه رانده شده، فراهم ساختن ابزارها و فرصت‌های لازم برای ارائه و بیان دیدگاه‌های شهروندان، توانمند ساختن شهروندان برای پیکار و تغییر سیاست‌های عمومی، ساختن جهانی دیگر و از دیگر بازیگران توسعه (دولتی و خصوصی) متمایز می‌شوند.

جامعه مدنی تلاش می‌کند در الگوی تازه توسعه و فرایند دموکراتیک‌سازی، الگوی جدیدی از کارآیی و کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، نهادینه ساختن تنوع و نظم انجمنی در جامعه ارائه دهد.

در چند دهه اخیر، جامعه ایرانی نیز با پایان جنگ ایران-عراق، فروکش کردن هیجان‌های انقلابی، افول پوپولیسم، غیرایدئولوژیک شدن جامعه و مسلط شدن گفتمان توسعه، همگام با دگرگونی‌های جامعه جهانی و موج سوم دموکراسی، شاهد بازگشت اما آرام جامعه مدنی بوده است.

در این سال‌ها جامعه مدنی ایرانی به رغم محدودیت‌ها و تنگناها و وجود کانون‌های مقاومت، از رشد، تنوع و پویایی نسبتاً چشمگیر برخوردار بوده است:

در یک دهه اخیر و پس از تغییرات گسترده‌ای که در صحنه فعالیت‌های سیاسی و مدنی در ایران رخ داده به نظر می‌رسد تلاش برای گسترش جامعه مدنی، قدرت یابی شهروندان، دفاع از آزادی انجمن‌ها و حقوق شهروندی، تلاش برای حفاظت از محیط زیست و تواناسازی محیط‌های سیاسی و اجتماعی، از مهم‌ترین دغدغه‌ها و اهداف استراتژیک کنش‌گران جامعه مدنی است.

پایه‌گذاران «عرصه سوم» در همراهی با این دگرگونی‌های گسترده، امیدوارند بتوانند در راه پویایی و توانمندسازی جامعه مدنی ایران در این مقطع زمانی گامی مثبت برداشته و به شکل گیری هر چه بهتر جامعه مدنی در ایران کمک کنند.

از این رو هیات مدیره، مشاوران و همکاران «عرصه سوم» نیز به منظور تحقق این اهداف از ترکیب متنوعی تشکیل شده است. در سازمان از تخصص‌های گوناگون کارشناسان و فعالان مدنی که هر یک پژوهش‌ها و تجارب متنوعی درباره جامعه ایران داشته‌اند استفاده شده است. این ترکیب ناشی از نگاه مستقل «عرصه سوم» نسبت به مسائل جامعه مدنی است.









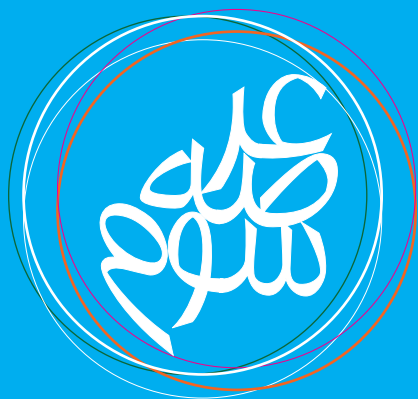


این نوشته، کند و کاوی است در جنبه‌های مختلف توانمند کردن جامعه مدنی، از خلال شوراهای شهروروستا. برای آن که به طرح موضوع توانمندسازی، شیوه‌ها و راهکارهای آن پردازیم، ما از جامعه مدنی شروع کرده‌ایم. اگر می‌خواهید تصویر مشترکی از جامعه مدنی داشته باشید می‌توانید به پیوست این نوشته سری بزنید.

در این نوشته ابتدا مفهوم تقویت و توانمندسازی را روشن می‌کنیم. سپس به راهکارهای آن می‌پردازیم. از سازمان دادن به خود و خواسته‌هایمان شروع می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چطور می‌شود این خواسته‌ها را تنظیم کرد و به شکل یک دستور کار درآورد، چطور این دستور کار را از سطح فردی و گروهی فراتر برد و به دستور کار اجتماعی و عمومی تبدیل کرد. و در نهایت چطور و با چه شیوه‌هایی بر کار دستگاه‌های عمومی (با تمرکز بر شوراهای محلی) نظارت کرد تا آن خواسته‌ها تا حد امکان برآورده شوند.

در پایان از جنبه‌ی دیگری از نظارت حرف خواهیم زد، نظارت برای جلوگیری از فساد مالی و اداری در پیکره‌های انتخابی و اجرایی، چرا که این پیکره‌ها به دلیل در اختیار داشتن منابع عمومی همواره در معرض فساد قرار داند و تنها نظارت موثر می‌تواند این فساد را تا حدی مهار کند.

در بین همه‌ی این مباحث پرسش‌هایی را هم برای اندیشیدن شما مطرح کرده‌ایم و نیز چیزهای که بهتر است در باره‌اش جستجو کنید یا آن را تمرین کنید.



[www.darsahn.org](http://www.darsahn.org)



[ Minahassastraat 1  
1092 RS, Amsterdam  
The Netherlands ]

[ [www.arsehsevom.net](http://www.arsehsevom.net)  
[contact@arsehsevom.net](mailto:contact@arsehsevom.net)  
[press@arsehsevom.net](mailto:press@arsehsevom.net) ]